

بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلافروش شیراز^۱

بهادر بهاءالدین*

در این پژوهش صنف زرگر و طلافروش شیراز به عنوان یک زیرمجموعه مشاغل، به پنج منطقه متفاوت بازاری تقسیم و ظرفیت مالیاتی آن مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی به روش میدانی - توصیفی و نتایج با استفاده از شاخصهای آماری - استنباطی، مورد تجزیه و تحلیل و تعمیم قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر منطقه بازاری دارای توان مالی و معاملاتی متفاوت است و مشتریان مخصوص به خود را دارد اما از رفتار مالیاتی مشتری پیروی می‌کند. بازارهای متفاوت این صنف به‌رغم برخورداری از فرصتهای مناسب صنفی - بازاری، حس مالیاتی ضعیفی را دنبال می‌کنند. جو غوغاسالاری رایج در بازار، کمبود اطلاعات و فرصت کم رسیدگی، این شرایط را به وجود آورده است که ممیز مالیاتی برای تشخیص یک سطح درآمدی متناسب با فعالیت صنف (یا اصناف)، ناچار به چشم‌پوشی و محافظه‌کاری باشد. واضح است که با شیوع چنین روشی و نهادینه شدن این‌گونه دیدگاهها در جامعه، نظام مالیاتی کشور با یک تهدید جدی روبرو خواهد بود و رفع چنین خطری نیازمند عزم ملی و پشتیبانی نهادهای مسئول است.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت مالیاتی، صنف زرگر، درآمد مالیاتی، مالیات بالقوه، مالیات بالفعل.

۱. مقدمه

در فرآیند جمع‌آوری مالیات، مراحل تشخیص و وصول به میزان قابل ملاحظه‌ای به مدیریت و نحوه اداره امور مالیاتی بستگی دارد اما مرحله جمع‌آوری اطلاعات که پایه مراحل بعدی را تشکیل می‌دهد، بیشتر به ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط است. وجود تعداد زیادی بنگاههای کوچک اقتصادی، گسترش اقتصاد زیرزمینی، نبود نظامهای ثبت حسابداری، نبود انسجام و ارتباط اقتصادی و اطلاعاتی بین مراکز تولیدی و توزیعی، طرز تلقی مردم نسبت به مالیات و مشکلاتی از این قبیل، موانع بزرگی را برای تکمیل اطلاعات لازم برای یک تشخیص مبتنی بر پایه اطلاعاتی به وجود آورده است.

* معاون اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان فارس

۱. این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی با همین عنوان است که با همکاری رباب مجد، الزابت سلطانی، فرانک دهقان و محمدرضا شهنسوار از کارشناسان حوزه معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان فارس انجام شده است.

مرحله تشخیص در صورتی درست و قانع کننده انجام می شود که پایه های اطلاعاتی آن قوی و کامل باشد. در غیر این صورت زمینه هایی برای اعتراض مؤدیان مالیاتی فراهم می شود و این امر برای تأخیر در پرداخت مالیات به آنها کمک می کند. در یک فضای تورمی بالا و کشش مالیاتی ناچیز حاکم بر اقتصاد کشور ما افزایش زمان تأخیر وصول، زیانهای جبرانناپذیری را به درآمد واقعی دولت وارد می کند. نتیجه چنین ساختار نامناسبی کسری در بودجه سالیانه دولت است که برای جبران آن رویکرد استقراض از بانک و دامن زدن به تورم اتفاق می افتد و این روش دور شومی را در اقتصاد رقم می زند.

در اقتصادهای توسعه یافته، به مالیات به عنوان امری برای مشارکت عمومی در تعاون ملی توجه می شود، به طوری که مردم نه تنها داوطلبانه سهم خود را از درآمد به دولت می پردازند بلکه به سبب آشکار بودن مزایای مالیاتی آماده اند سهم بیشتری از درآمد خود را به مالیات اختصاص دهند. با وجود چنین شرایط مطلوبی در فرهنگ مالیاتی این گونه کشورها، باز هم مشاهده می شود که دولت تمام توان خود را برای جمع آوری مالیات به کار می گیرد و هیچ گونه اغمازی قائل نمی شود. در کشور بلژیک به عنوان یک کشور توسعه یافته مالیاتی، برای هر ۴۷۶ نفر شهروند، یک نفر مأمور مالیاتی گمارده شده است و نسبت مالیاتی نیز به صورت ۴۵/۸ درصد تولید ناخالص داخلی است، در حالی که در یک کشور کمتر توسعه یافته ای مانند مکزیک این سرانه ۳۵۳۶ نفر و نسبت مالیاتی ۸/۹ درصد است. برای آلمان این شاخصها به ترتیب ۶۶۵ نفر و ۳۶/۸ درصد، در کره همین شاخصها به ترتیب ۱۳۵۹ نفر و ۲۷/۲ درصد است.^۱

هنگامی که تعداد زیادی پرونده مالیاتی به یک مأمور مالیاتی واگذار می شود و با وجود شرایطی مانند مکانیزه نبودن نظام مالیاتی، نبود ثبت حسابداری بنگاههای اقتصادی و نبود حس وظیفه مالیاتی، مأمور ذی ربط فرصت لازم و مدرک کافی در اختیار نخواهد داشت که تشخیصی مبتنی بر پایه اطلاعات انجام دهد و ناچار به تشخیص به روش علی الرأس متوسل می شود که نتیجه آن به ضرر دولت است یا مؤدی، در هر حال اعتراض و نارضایتی مؤدی را به دنبال خواهد داشت، بنابراین وصول مالیات به تأخیر می افتد و باز هم دولت متضرر می شود.

در استان فارس مالیات مشاغل ۲۰ درصد کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می دهد. از آنجا که حجم مالیات مشاغل در مقایسه با مالیات حقوق، موازی و حتی دارای درصد کمتری است، شرایط نشان می دهد که صاحبان مشاغل به رغم انبوهی جمعیت و نقدینگی قابل ملاحظه ای که در اختیار دارند، سهم مالیاتی خود را به جامعه پرداخت نمی کنند.

۱. «شاخصهای کارایی سازمان مالیاتی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، صندوق بین المللی پول (۲۰۰۴)، مجله مالیاتی، ۱۳۸۵.

بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلا فروش شیراز ۵۹

یکی از فعالیتهای زیرمجموعه مشاغل، مربوط به صنف زرگر و طلا فروش است که در شرایط رکود و رونق بازار، همواره بهره مناسب را برده و سود کافی کسب می کند. در زمان رونق، بازار گرم فروش و در زمان رکود، بازار گرم خرید ارزان را در اختیار دارد و به طور کلی این صنف همواره از مزایای نسبی مناسبی مانند فرصتهای فصلی و مهاجرتی مرسوم در استان فارس و استانهای همجوار، استفاده می برد. اگر به این مزایا، تفنن گرایی و تنوع طلبی مردم فارس و استانهای همجوار اضافه شود، آنگاه ملاحظه می شود که صنف زرگر و طلا فروش شیراز در استان دارای جایگاه مناسب اقتصادی در بازار می باشد. این صنف به رغم در اختیار داشتن موقعیتهای مناسب شغلی و درآمدی به نظر می رسد که نه تنها حس وظیفه مالیاتی ضعیفی دارد بلکه شرایط به گونه ای است که از فرصت فرار مالیاتی بالایی نیز برخوردار است. فراهم بودن مزایای مناسب شغلی این صنف و فرضیه ناکافی بودن مالیات پرداختی آنان انگیزه اصلی تهیه این نوشتار بوده است. در واقع به این سؤال پاسخ داده می شود که ظرفیت واقعی و قدرت پرداخت مالیاتی این صنف چقدر است و امکان تحقق آن در عمل به چه میزان خواهد بود.

۲. پیشینه موضوع

مالیات بر مشاغل به عنوان زیرمجموعه مالیات بر درآمد از ابتدای قرن ۱۹ مورد توجه قرار گرفته است.^۱ در ایران مالیات بر درآمد برای اولین بار در قانون مالیاتی سال ۱۳۰۹ مطرح شده و در آن از اصناف به عنوان یکی از زیرمجموعه های مالیات بر درآمد نام برده شده است. در تغییر و تحولات مهم اقتصادی و اجتماعی که در سالهای اخیر در کشور به وقوع پیوسته، نظیر مبحث جایگزینی مالیات به جای نفت، مالیات بر درآمد جایگاه ویژه ای یافته است. از این رو تعیین ظرفیت واقعی آن نیز مورد توجه دولت و محققان و پژوهشگران قرار گرفته و به همین ترتیب برای تعیین الگوهای مناسب تلاشهایی شده است. در الگوی پرهیزگاری (۱۳۵۵) مالیات بر درآمد مشاغل به صورت تابعی از مالیات مستقیم بر مشاغل در دوره قبل و درآمد قابل تصرف دوره قبل در نظر گرفته شده است. در الگوی حسین عظیمی^۲ (۱۳۶۵) ظرفیت بالقوه مالیاتی بخش خدمات غیردولتی بررسی و مطالعه شده است و چنین نتیجه گیری شده که در بخش خدمات غیر دولتی فقط ۱۰ تا ۱۲ درصد ظرفیت واقعی وصول می شود. در الگوی مالیات پذیری اقتصاد ایران (۱۳۷۸)^۳، متغیرهای به کار رفته عبارتند از: نسبت مالیاتی، سهم ارزش افزوده بخشهای کشاورزی، نفت، صنعت و معدن، آب و برق و گاز،

۱. حسن پیرنیا، مالیه عمومی، مالیاتها و بودجه، ۱۳۴۸.

۲. حسین عظیمی، «ظرفیت بالقوه مالیاتی در بخش خدمات غیردولتی ایران در سالهای پس از جنگ تحمیلی»، ۱۳۶۵.

۳. مرتضی صامتی، «مالیات پذیری اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۱۳۷۸.

ساختمان و خدمات در تولید ناخالص داخلی، نسبت مالیات بر شرکتها، مالیات بر درآمد، ثروت، واردات و مالیات بر مصرف و فروش در تولید ناخالص داخلی و متغیر مجازی.

در کار تحقیقاتی فریبا فهیم یحیایی^۱ (۱۳۷۰)، ظرفیت مالیاتی کشور طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۰ و بر حسب منابع مالیاتی محاسبه و بررسی شده است. در این بررسی مشخص شده که از ظرفیت مالیاتی کشور در سال ۱۳۶۷ فقط ۳۷/۷ درصد وصول می‌شود. در بررسی‌هایی که توسط دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۷۳ به عمل آمده، پایه مالیاتی بخش مشاغل در استانهای مختلف کشور تخمین زده شده است. در این روش، سهم هر یک از استانهای کشور از ارزش افزوده کل کشور محاسبه و با شاخص تعداد پرونده‌های مالیاتی موجود، ظرفیت مالیاتی برآورد شده است. به موجب این محاسبات، به میزان ۹۶/۶ درصد شکاف مالیاتی بین ظرفیت واقعی و مالیات وصول شده در استان فارس مشاهده شده است.

در استان همدان با توجه به تحقیقاتی که حمید صفایی نیکو (۱۳۷۵) انجام داده، مالیات استان به صورت تابعی از تولید بخشهای صنعت، معدن، کشاورزی، صادرات منطقه و نرخ سواد تخمین زده شده است. در استان اصفهان، مالیات بخش مشاغل توسط حوزه معاونت اقتصادی (۱۳۷۷) مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش پس از تعیین میزان ارزش افزوده که هدف مالیاتی دارد و با مراجعه به تعداد پرونده‌های مالیاتی، درآمد هر پرونده برآورد و پس از تعدیلات لازم مالیات هر پرونده محاسبه شده است. نتیجه اینکه در عملکرد مالیاتی سال ۱۳۷۶ اصفهان، در بخش مشاغل فقط ۷/۳ درصد ظرفیت واقعی وصول می‌شود. در استان خراسان در سال ۱۳۷۶ برای محاسبه ظرفیت بالقوه مالیات استان، از نسبت کل درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی استان، ظرفیت مالیاتی در بخشها و منابع مختلف مالیاتی بر اساس ارزش افزوده استفاده شده است. در استان مازندران (۱۳۸۰) دو کار تحقیقاتی روی ظرفیت مالیاتی صورت گرفته است. در بررسی اول از سری زمانی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۶۱ و با توجه به سهم و میزان نقش هریک از متغیرهای مؤثر بر ظرفیت مالیاتی، متغیر حساس شناسایی و به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) توابع مالیاتی تخمین زده شده است. برآورد در شرایطی است که مالیات مستقیم استان به صورت تابعی از ارزش افزوده بخش خدمات و مالیات مستقیم یک دوره قبل صورت گرفته است، در نتیجه به طور متوسط ۶۲ درصد از ظرفیت مالیاتی استان جذب شده است. همچنین در استان مازندران در سال ۱۳۸۰ یک مطالعه موردی روی صنف طلافروشان انجام شده است. این بررسی از بعضی جهات شبیه کار تحقیقاتی حاضر است و عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی صنف طلافروش شناسایی شده است. براساس نتایج تحقیق، در فرار مالیاتی صنف

۱. فریبا فهیم یحیایی، «برآورد ظرفیت مالیاتی کشور»، ۱۳۷۰.

۶۱ بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلا فروش شیراز

مورد مطالعه عوامل ساختاری، قانونی، سازمانی، ضعف گردش پولی، ضعف نظام اطلاعات مالیاتی و پیچیدگی قوانین مالیاتی بیشترین تأثیر را در فرار مالیاتی صنف طلافروش مازندران داشته و به طور کلی ۶۲/۶ درصد فرار مالیاتی بیش از متوسط بوده است. در کل فقط ۵۱/۵ درصد ظرفیت مالیاتی در این صنف وصول شده است. در استان سمنان (۱۳۸۱) یک کار مشابه با استان اصفهان صورت گرفته و نتیجه آنکه جمع مالیاتهای وصولی مشاغل و شرکتها نسبت به مالیات بالقوه استان بسیار ناچیز و حدود ۰/۸ درصد بوده است.

در استان فارس ظرفیت مالیاتی حقوق و دستمزد (بهاءالدین، ۱۳۸۳) طی یک دوره ۲۲ ساله و طی سه سناریو برآورد و بررسی شده است. در سناریوی اول مالیات حقوق به صورت تابعی از مالیات حقوق و هزینه جبران کار و خدمات سال قبل برآورد شده است. در سناریوی دوم، مالیات بر درآمد استان به صورت تابعی از تولید ناخالص استان و سپس مالیات حقوق به صورت درصد متعارفی از مالیات مستقیم برآورد شده است. نتایج نشان دهنده بهبود در وصول ظرفیت بیشتری از مالیات طی این سالها بوده است اما به نظر می رسد بهبود در ظرفیت مالیات بخش حقوق حاصل از بهبود مدیریت در اداره امور مالیاتی و یا اصلاح نظام مالیاتی نبوده است بلکه پرداخت کنندگان مالیات این بخش ناخواسته در تور مالیاتی گرفتار شده اند و یا با افزایش پایه های حقوق و دستمزد، همواره بخش بزرگی از این افزایش در بخش دولتی به صورت مالیات از تصرف آنها خارج شده است.

از آنجا که پژوهشگر در استفاده از روشهای سنجی دچار تردید شده، به ناچار سناریوی سومی را طراحی و اجرا کرده است. در این سناریو تمام حقوق بگیران و دستمزدبگیران در استان شناسایی، طبقه بندی و با استخراج حقوق و دستمزد معقول و رایج بومی، میزان درآمد و سپس مالیات متعلقه محاسبه شده است. به این ترتیب حدود ۶۱/۶ درصد ظرفیت مالیاتی حقوق و دستمزد استان به حیطه وصول در نمی آید. باید توجه داشت بررسی الگوهای خارجی، به دلیل شباهت کمی که با موضوع مورد مطالعه داشت، عنوان نشده است.

۳. روش تحقیق

نتیجه مرور مطالعات انجام شده نشان می دهد که پژوهشهای انجام گرفته بر روی ظرفیتهای بالقوه مالیاتی بیشتر در سطح کلان اقتصادی صورت گرفته و پایه های محاسباتی بر تولید ناخالص داخلی یا ارزش افزوده بخشها و زیربخشها متکی بوده است. در پژوهشهای استانی انجام شده نیز همین روش ادامه یافته است.

به نظر می رسد اتکا بر پایه تولید ناخالص داخلی یا ارزش افزوده، به ویژه در برش استانی در صورتی معقول و منطقی است که یک رابطه تنگاتنگ و علیت دار بین متغیرهای وابسته و مستقل

وجود داشته باشد. وجود چنین رابطه‌ای در اقتصاد کشور، بین مالیات و سایر عوامل و به ویژه در بخش استانی آن جای تردید دارد زیرا اول اینکه بخشهای مهمی از اقتصاد کشور که در تولید ناخالص داخلی به حساب آمده‌اند از مالیات معاف هستند یا اصولاً مالیات نمی‌پردازند، مانند بخش کشاورزی، برخی ارگانها و بنگاههای فعال اقتصادی، صادرات، بسیاری صنایع و نظایر آنها. دوم، وجود حجم گسترده اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی کشور که اصولاً در تور مالیاتی قرار نمی‌گیرد. سوم، مشکلات تعدد مراکز آماری و تنوع در تعاریف آماری و چهارم، مشکل پایه‌های تعیین درآمد مؤدیان مالیاتی مطرح است که بدون ارتباط با درآمد و ارزش افزوده بنگاههای اقتصادی، تعیین و اعمال می‌گردد.

با توجه به موارد یاد شده، در این پژوهش روش میدانی با تحلیل آمار توصیفی - استنباطی به کار گرفته شده است. برای رسیدن به یک سطح درآمد که دارای هدف مالیاتی است و بتوان با آن مالیات بالقوه صنف زرگر و طلافروش شیراز را تخمین زد، شهر از نظر موقعیتهای خاص فرهنگی، اقتصادی، بازاری - درآمدی و سایر عوامل شهرشناسی - بوم شناسی به پنج منطقه متفاوت تقسیم شده است. هر کدام از این مناطق بازاری ویژگیها و رفتارهای مربوط به خود و مشتریان خاص خود را دارند.

با اعمال روش میدانی و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از یک جامعه آماری ۳۰۰ واحدی صنف زرگر و طلافروش شیراز، تعداد ۱۷۲ واحد انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. برای کسب اطلاعات لازم از سطح درآمد پولی و یا حجم فروش بر حسب گرم در روز، از روش پرس و جو، قرائن، تجربیات و آموخته‌ها، نظرهای دوستان و آشنایانی که به طریقی دست‌اندرکار بوده‌اند، مشاهدات عینی، اطلاعات کسب شده از همکاران و در نهایت با استفاده از نظرها و آرای اتحادیه صنفی، این اطلاعات بازبینی شده و تعدیلات لازم صورت گرفته است.

داده‌های آماری (بالحقوه) برگرفته از نمونه‌های بازار و داده‌های متناظر آن در حوزه‌های مالیاتی (بالفعل) طبقه‌بندی و آماده توصیف آماری و سپس استنباط آماری قرار می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج از ابزار آماری مانند تمایلات به مرکز و معیارهای انحراف و پراکندگی استفاده شده است. با مقایسه درآمد مالیاتی بالقوه و مقایسه آن با مالیات بالفعل متناظر، بررسی و برآورد صورت گرفته است. محاسبات در بسته نرم افزاری SPSS صورت گرفته و در صفحه Excel قابل نمایش است. برای اطمینان از اینکه آیا پارامترهای مورد نظر در دامنه مشخصی از مقادیر به دست آمده قرار دارد و به منظور دستیابی به یک عدد متوسط معقول و قابل قبول در درون فاصله، آزمونهای لازم با درصد اطمینان مناسب از توان آزمون صورت

۶۳ بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلا فروش شیراز

گرفته است. با استفاده از روش آماری به کار گرفته شده، عدد متوسط مالیات بالقوه سالیانه برای هر بازار محاسبه و در جدول شماره (۱) ارائه می شود.

جدول شماره ۱. محاسبه عدد متوسط مالیات بالقوه سالیانه برای هر بازار					
شرح	بازار اول	بازار دوم	بازار سوم	بازار چهارم	بازار متفرقه
متوسط مالیات بالقوه سالیانه (هزار ریال)	۴۰	۵۵	۱۲۰	۴۰	۲۲
توان آزمون (درصد)	۹۰	۹۰	۹۵	۹۶	۹۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

با در دست داشتن متوسط مالیات بالقوه هر بازار، اکنون می توان تمام درآمد مالیاتی بالقوه را با توجه به تعداد صنف در هر بازار و در کل محاسبه کرد. نتیجه محاسبات در جدول شماره (۲) تنظیم شده است.

جدول شماره ۲. محاسبه درآمد مالیاتی بالقوه با توجه به

تعداد صنف در هر بازار

بازار	تعداد جامعه	متوسط آزمون شده (میلیون ریال)	مالیات بالقوه (میلیون ریال)
بازار ۱	۱۲۷	۴۰	۵۰۸۰
بازار ۲	۵۸	۵۵	۳۱۹۰
بازار ۳	۵۲	۱۲۰	۶۲۴۰
بازار ۴	۴۲	۴۰	۱۶۸۰
بازار ۵	۲۱	۲۲	۴۶۲
کل	۳۰۰	-	۱۶۶۵۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

با همان ترتیب مراحل ارائه شده، مالیات بالفعل متناظر آن در سطح حوزه، محاسبه و نتیجه برآورد در جدول شماره (۳) ارائه می شود.

جدول شماره ۳. محاسبه و نتیجه برآورد مالیات بالفعل متناظر

شرح	تعداد پرونده	متوسط آزمون شده (میلیون ریال)	مالیات بالفعل (میلیون ریال)
بازار ۱	۱۲۷	۱۳۵	۱۷۱۴/۵
بازار ۲	۵۸	۲۱۰	۱۲۱۸
بازار ۳	۵۲	۳۰	۱۵۶۰
بازار ۴	۴۲	۲۲	۹۲۴
بازار ۵	۲۱	۱۱	۲۳۱
کل	۳۰۰	-	۵۶۴۷۵۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

در نتیجه با مقایسه مالیات بالقوه و بالفعل صنف زرگر و طلا فروش شیراز، ظرفیت وصول نشده هر بازار و کل صنف در جدول شماره (۴) قابل تنظیم و بررسی است.

جدول شماره ۴. ظرفیت وصول نشده هر بازار و کل صنف

مناطق بازار	مالیات بالقوه (میلیون ریال)	مالیات بالفعل (میلیون ریال)	ظرفیت وصول نشده (درصد)
۱- بازار زرگرها	۵۰۸۰	۱۷۱۴	۶۶
۲- بازار سینما سعدی	۳۱۹۰	۱۲۱۸	۶۲
۳- بازار ملاصدرا	۶۲۴۰	۱۵۶۰	۷۵
۴- بازار مشیر فاطمی	۱۶۸۰	۹۲۴	۴۵
۵- بازار متفرقه	۶۴۲	۲۳۱	۵۰
کل	۱۶۶۵۲	۵۶۴۷	۶۶

مأخذ: محاسبات تحقیق

۴. تفسیر نتایج

در این پژوهش تعداد ۳۰۰ مورد از جامعه زرگر و طلا فروش شیراز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. توزیع بنگاههای فروش و خدمات این صنف در سطح شهر تابع عواملی مانند شرایط فرهنگی و سنتی، درآمدی، تاریخی و نظایر آن بوده و نحوه تمرکز هر گروه از آنها بوم‌شناسی خاص خود را به وجود آورده است. با توجه به این ویژگیها و با در نظر گرفتن این عوامل، شهر به پنج منطقه متفاوت تقسیم شده و هر کدام جداگانه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

۴-۱. بازار زرگرها

بازار معروف به بازار زرگرها در شیراز در بافت قدیم شهر قرار گرفته و از گذشته‌های دور محل تجمع زرگرها و طلا فروشان سنتی و اولیه شیراز بوده است. ایجاد کنندگان اولیه این بازار

۶۵ بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلا فروش شیراز

کلیمیان مقیم شیراز بوده‌اند، بنابراین این محل به تدریج در محله کلیمیان شیراز شکل گرفته است. به مرور زمان و با تغییر دیدگاههای مردم، مسلمانان شهر نیز وارد این بازار شده و در حال حاضر تفکیک قومی در این بازار میسر نیست.

حجم این بازار در کل شهر ۲۴/۴ درصد را تشکیل می‌دهد و به طور متوسط این بازار ۳۳/۵ درصد کل فروش شهر را در انحصار خود قرار داده است. قدرت مالی این بازار با توجه به مشتریان آن تنظیم شده است.

براساس مشخصه‌های متمایل به مرکز مانند میانگینها و پخش فراوانیها، این شاخصها به سمت مقادیر کوچک تمایل دارد، به طوری که بیش از ۵۳ درصد مشاهدات در حد فاصل ۱۰۰-۳۰۰ گرم فروش روزانه متمرکزند و مقادیر بالای ۲۰۰ گرم در این بازار نقش مؤثری ندارند، در نتیجه این بازار، بازار مقادیر کوچک است.

چگونگی توزیع فراوانیها، با مشتریانی که در این بازار مراوده دارند نیز همخوانی دارد. مطابق بوم‌شناسی شهر شیراز (سوابق فرهنگی و بافت سنتی موجود) مشتریان این بازار معمولاً از اقشار پایین‌تر از متوسط شهر و به‌طور عمده از خانوار بافت سنتی شهر، حومه شهر و روستاییانی تشکیل شده‌اند که دارای درآمد پایین، مقطعی و فصلی هستند. برای پاسخگویی به مشتریانی با این ویژگی، مغازه‌های کوچک و خرده فروش نیز لازم است.

از نظر بررسی وضع مالیاتی این بازار، به‌رغم وجود تعداد زیاد بنگاههای فروش (۴۲/۴ درصد از سهم کل) فقط ۳۰/۵ درصد مالیات سالیانه توسط این بازار تأمین می‌شود. از نظر ظرفیت بالقوه مالیاتی، این بازار از میزان فرار مالیاتی بالایی برخوردار است، به طوری که ۶۶ درصد از ظرفیت مالیاتی موجود وصول نمی‌شود.

از عوامل مهم فرار مالیاتی در این بازار علاوه بر علل عمومی این است که قسمت مهمی از فعالیت بنگاههای این بازار نظیر خدمات زرگری یعنی طلاسازی، تعمیرکاری و تعویض، در محاسبات مأموران مالیاتی در نظر گرفته نمی‌شود.

۲-۴. بازار سینما سعدی

این بازار ۱۹/۳ درصد از کل جامعه را تشکیل می‌دهد و ۱۸/۳ درصد از حجم فروش بازار را در اختیار دارد. در پخش فراوانی مشاهدات این بازار کمی انحناء و خمیدگی دیده می‌شود و با چولگی ۱/۷۲ واحدی، توزیع تا حدودی به سمت مقادیر بزرگ تمایل پیدا می‌کند. این میزان عدم تقارن، حاصل از این ویژگی بازار است که بنگاههای کوچک و بزرگ در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک دامنه وسیع ۳۰۰ واحدی را به وجود آورده‌اند.

نمای ۹۰ در شاخص آماری حکایت از آن دارد که بیشترین تعداد مشاهدات در طبقه ۱۰۰-۳۰ تکرار می‌شود، در حالی که بیشترین وزن فروش در طبقه ۲۰۰-۱۵۱ اتفاق افتاده است و بازار طلا فروشی سینما سعدی جذب‌کننده مشتریان کوچک و بزرگ است. در داخل بازار قدرت پرداخت مالیات نیز متفاوت است به طوری که میزان ۴۲/۴ درصد مغازه‌ها (۱۴ مورد) حدود ۱۷/۵ درصد پرداخت کل مالیات بازار را بر عهده دارند، این در حالی است که سه پرونده، ۲۷ درصد مالیات بازار را بر دوش دارد. به طور کلی در این بازار ۶۲ درصد ظرفیت مالیاتی به هدر می‌رود. با وجود اطلاعات کسب شده از بازار سینما سعدی به نظر می‌رسد که وضع تشخیص در این بازار نیاز به تجدیدنظر و بازبینی جدی دارد.

۳-۴. بازار ملاصدرا

این بازار ۱۷/۳ درصد از کل بنگاههای فروش سطح شهر را تشکیل می‌دهد و دارای فروش روزانه‌ای معادل ۳۳/۷ درصد است و در واقع مشتریان بزرگ را به خود جذب کرده است. این بازار مکان مناسبی برای مراوده اقشار بالای شهر و با درآمد بالاست. خریداران این بازار اغلب از روی چشم و همچشمی و زینت‌طلبی وارد بازار می‌شوند و به عبارتی خرید آنها نه از روی نیاز بلکه از روی تفنن صورت می‌گیرد. این مشابهت کلی خریداران، در پخش فراوانی، تقارن کاملی را به وجود آورده است.

وجود چنین ویژگیهایی فرصت مناسبی برای فروشندگان این بازار فراهم آورده و درآمد بالایی برای گردانندگان آن به وجود آورده است. نمای ۳۰۰ حکایت از آن دارد که بیشترین تکرار در طبقه ۵۰۰-۲۵۱ گرم قرار داشته، به طوری که حجم فروش در آنجا ۸۰ درصد بازار را در برمی‌گیرد اما شکاف عظیم ۷۵ درصدی بین مالیات بالقوه و بالفعل، از نظر فرهنگ مالیاتی، بسیار مایوس‌کننده است و به نظر می‌رسد این بازار باید مورد تجدید نظر کلی مأموران مالیاتی قرار گیرد.

۴-۴. بازار مشیر فاطمی

این بازار ۱۴ درصد تعداد بنگاههای فروش را تشکیل داده و تا سقف ۱۱/۳ درصد حجم فروش را تأمین می‌کند. مشاهدات کمی متمایل به سمت مقادیر بزرگ است. وجود چولگی ۰/۳۸، تقارن و یکنواختی بازار را تأیید می‌کند. بیشترین تکرار فروش در طبقه ۱۵۰-۱۰۰ گرم است. مشخصه‌های آماری، قدرت مالی متوسطی را برای این بازار بیان می‌کند. میزان اتلاف ظرفیت مالیاتی این بازار ۴۵ درصد است که در مقایسه با متوسط ۶۶ درصدی و سایر بازارها، شرایط مناسب‌تری را نشان می‌دهد.

۵-۴. بازار متفرقه

این بازار به طور پراکنده و در لایه‌های پایینی شهر قرار دارد. محدوده فعالیت آن، داد و ستد محلی را تشکیل می‌دهد و توسعه زیادی نیز ندارد. در مجموع ۷ درصد بازار شهر را تشکیل می‌دهد و دارای حجم فروشی معادل ۳/۲ درصد بازار است. مشخصه‌های آماری نشان می‌دهد که مشتریان و عرضه‌کنندگان این بازار از توان مالی بالایی برخوردار نیستند. متوسط فروش روزانه هر بنگاه حدود ۶۹ گرم است که در مقایسه با بقیه بازارها کمترین مقدار را نشان می‌دهد. به‌رغم پراکندگی واحدهای این بازار در دورترین نقاط شهر، یکنواختی و تقارن در پخش فراوانیها نشان دهنده آن است که مشتریان این بازار دارای رفتاری مشابه و در سطح درآمدی پایین قرار دارند. ۹۲ درصد فروش در طبقه پایین ۱۰۰-۳۰ گرم متمرکز است. از نظر پرداخت مالیاتی، این بازار فقط ۴ درصد کل را پوشش می‌دهد و یک شکاف ۵۰ درصدی نیز بین مالیات بالقوه و بالفعل مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد مأموران مالیاتی توجه چندانی به این بازار نشان نمی‌دهند.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق، شکاف قابل ملاحظه‌ای بین مالیات بالقوه و بالفعل صنف زرگر و طلافروش شیراز را نشان می‌دهد. با اطمینان ۹۵ درصد این فاصله برای کل صنف ۶۶ درصد می‌شود که رقمی نزدیک به ۱۲ میلیارد ریال است. با توجه به اینکه صنف زرگر و طلافروش شیراز کسر کوچکی از کل اصناف استان را تشکیل می‌دهند (یک سیصدم)، در صورتی که این رقم تعمیم داده شود آنگاه می‌توان ادعان کرد که در بخش مشاغل استان فارس ظرفیت مالیاتی قابل ملاحظه‌ای از حیطه وصول خارج است. در این پژوهش با توجه به برخی از ویژگیهای زیست محیطی، شهری، اقتصادی، درآمدی، فرهنگی، محلی و سنتی، شهر به پنج منطقه تقسیم و مورد مطالعه قرار گرفته است. هر منطقه بازاری مخصوص، در مقابل کنش مالیاتی، واکنشهای متفاوتی از خود نشان داده است اما برای فرار مالیاتی رفتارهای مشابهی مشاهده می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان به برخی از مشخصه‌های این صنف اشاره کرد:

الف- شکاف مالیاتی بالا: حداقل شکاف بین مالیات بالقوه و بالفعل ۴۵، حداکثر ۷۵ و متوسط کل ۶۶ درصد است. شکافهای پایین‌تر از متوسط حاصل از اعمال مدیریت مالیاتی نبوده بلکه سلیقه‌ای عمل کردن در تشخیص را نشان می‌دهد.

ب- اختفای خدمات طلاسازی و زرگری: در برخی بازارها مانند بازار زرگرها قسمت بزرگی از درآمد حاصل از خدمات مانند زرگری و تعمیرکاری، تعویض، محک زنی و نظایر آن از دید پنهان است و در احتساب درآمد در نظر گرفته نمی‌شود. در برخی بازارها، معاملات

مهم طلا و تعویض کاری خارج از دید عمومی انجام می‌گیرد مانند آنچه در بازار ملاصدرا و سایر بازارها اتفاق می‌افتد.

ج- فرصت مناسب منطقه‌ای: صنف زرگر و طلافروش شیراز از فرصت‌های مناسب برخوردار بوده و دارای مزایای نسبی است. یک مورد، مشتریان حواشی خلیج فارس اعم از شیخ‌نشین‌هایی است که دلپذیرترین راه خرج کردن آنها در خرید طلا و جواهرات خلاصه می‌شود و دیگری مشتریان فصلی مانند کشاورزان استان و منطقه جنوب است که در فصل برداشت، کوتاه‌ترین و شناخته شده‌ترین راه خرج کردن برای آنها بازار طلا و جواهر است.

د- تشخیص پایین پایه درآمدی: وجود فرصت مناسب و مزایای نسبی در صنف زرگر و طلافروش شیراز، درآمد مناسبی را نصیب می‌کند و مأمور مالیاتی نیز از وجود چنین مزایایی آگاه است اما حداقل دو عامل در تشخیص درآمد واقعی این صنف، مأمور مالیاتی را دچار سردرگمی می‌کند: اول، نبود اطلاعات کافی و مستند و دوم، وجود یک جو اعتراض و غوغاسالاری حاکم در جامعه. این عوامل در واقع از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های نظام مالیاتی ما به حساب می‌آید که باید به گونه‌ای بر آن فائق آمد.

۶. پیشنهادها

وجود شکاف عظیم بین مالیات بالقوه و بالفعل در صنف زرگر و طلافروش شیراز هشداردهنده است. به نظر می‌رسد ابزار فعلی با تمامی جوانب امر ناکارآمد بوده و پاسخگو نیست. وضع موجود، روش تشخیص سنتی و فرسوده و متکی بر یک پایه ضعیف درآمدی را نشان می‌دهد. نبود ثبت حسابداری و به طور کلی اطلاعات مالی و معاملاتی و نبود امکان جمع‌آوری اطلاعات به روش پیشرفته، استفاده از اطلاعات آماری از مراکز تولید و توزیع در جامعه، ممیز مالیاتی را حداقل با سه مشکل نبود اطلاعات کافی، جو حاکم غوغاسالاری در جامعه و نبود پشتوانه قانونی روبرو می‌کند. وجود چنین فضای پر ابهامی موجب تشخیص علی‌الرأس با تمام جوانب محافظه‌کاری و اغماض می‌شود که موجب پایین نگهداشتن نرخ مالیاتی شده و در نهایت دولت متضرر اصلی آن است.

بنابراین رفع چنین مشکلات بزرگ و اساسی، تصمیم بزرگ و اساسی می‌طلبد. در این راستا عزم و اراده ملی و عمومی و پشتیبانی مسئولان تراز بالای مملکتی و تمامی نهادهای مسئول جامعه می‌تواند در رفع مشکلات موجود مؤثر واقع شود.

این پیشنهاد یک بازنگری مهم و اساسی در افق نظام مالیاتی به نظر می‌رسد که یک بعد آن تجدیدنظر کلی در تشخیص مالیاتی است. نظام مالیاتی نه تنها با مصلحت اندیشی و اغماض سازگاری ندارد بلکه تجربه تمام کشورهای توسعه یافته و متکی بر درآمد مالیاتی نشان داده

بررسی ظرفیت بالقوه مالیات صنف زرگر و طلا فروش شیراز ۶۹

است که چشم‌پوشی از درآمد مالیاتی موجب فرسایش تدریجی این ضرورت اجتماعی است. در یک نظام مالیاتی مبتنی بر سنت مصلحت‌اندیشی هرگز نباید انتظار اصلاحات و توسعه پایدار را داشت.

منابع

الف) فارسی

- بهاءالدین، بهادر (۱۳۸۳)، «بررسی و محاسبه ظرفیت بالقوه مالیات حقوق و دستمزد در استان فارس»، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- پیرنیا، حسین (۱۳۴۸) *مالیه عمومی، مالیات و بودجه*، انتشارات ابن سینا، چاپ پنجم.
- جعفری صمیمی، احمد و علی‌اکبر حمزه‌ای، (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۳۴.
- جیت، بی‌اس گیل (۱۳۸۱)، *مدیریت سازمان مالیاتی*، ترجمه دکتر علی‌اکبر عرب‌مازار و مرتضی ملانظر، دانشکده امور اقتصادی.
- خان‌جان، علیرضا (۱۳۸۳)، «سنجش شکاف مالیاتی بالفعل، مطالعه موردی شهرستان مشهد»، *مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۳۰، تابستان.
- دیانی، علیرضا (۱۳۸۱)، «مقایسه ظرفیت بالقوه و بالفعل درآمدهای مالیاتی استان سمنان در سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۷»، *مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی استان سمنان*.
- سازمان امور اقتصادی و دارایی استان خراسان، معاونت اقتصادی (۱۳۷۸)، «بررسی امکانات خودکفایی مالی استان خراسان».
- سازمان امور اقتصادی و دارایی اصفهان، معاونت امور اقتصادی (۱۳۷۷)، «مقدمه‌ای بر محاسبه ظرفیت مالیاتی در استان اصفهان».
- سیلوانی، کارلوس (۱۹۹۸)، *راهبردهای اصلاح دستگاه مالیاتی*، ترجمه منصور ملاپور، تهران: دانشکده امور اقتصادی، چاپ اول.
- شاپوریان، عنایت‌ا... (۱۳۵۰)، *بیست و پنج سده مالیات*، وزارت دارایی.
- شاخصهای کارایی سازمان مالیاتی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۱۳۸۵)، صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۴)، *مجله مالیاتی*، شماره ۴۰، بهار.
- صامتی، مرتضی (۱۳۷۸)، «مالیات‌پذیری اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۱۶.
- صفائی‌نیکو، حمید (۱۳۷۵)، «برآورد ظرفیت مالیاتی استان همدان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس.
- عظیمی، حسین (۱۳۶۵)، «ظرفیت بالقوه مالیاتی در بخش خدمات غیردولتی ایران در سالهای پس از جنگ تحمیلی»، *دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور*.

۷۰ مجله اقتصادی سال هفتم شماره‌های ۶۷ و ۶۸

عظیمی، حسین (۱۳۷۸)، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی.

فهمیم یحیایی، فریا (۱۳۷۰)، «برآورد ظرفیت بالقوه مالیاتی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

منجذب، محمد رضا و پارسا سلیمانی (۱۳۸۴)، «برآورد ظرفیت مالیاتی استان مازندران»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*، پژوهشکده امور اقتصادی، شماره سوم، پائیز.

نادران، الیاس (۱۳۶۷)، «ظرفیت مالیاتی کشور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی (۱۳۷۶)، «برآورد ظرفیت بالقوه مالیاتی در استانهای مختلف کشور در سال ۱۳۷۳»، *مجله اقتصادی*، شماره ۲، تیر.

ب) انگلیسی

Chellian, Raja J. (1971), "Trends in Taxation in Developing Countries", *IMF Staff Paper*, Vol. 18.

Parhizgari, Ali Mohammad (1976), *Mathematical and Econometric Models of Development Planning: The Case of Iran*, Ph.D Thesis, Maryland University, USA.